

جهان جهان را رد!

سید مصطفی محقق داماد*

اختلاف میان فیلسوفان الهی و غیرالهی در این نیست که جهان خدا دارد یا نه، بلکه دیوار اصلی میان دو گروه از فیلسوفان، اختلاف دربارهٔ جان‌دار بودن جهان است. اگر نگاه ما به جهان، جهان‌جان‌دار باشد، این نگاه نه تنها علم را از بین نمی‌برد، بلکه علم دیگری را پدید می‌آورد. در این وضعیت چه چاره‌ای باید اندیشید؟ به نظر من راه حل‌های فناورانه علمای تجربی برای مواجهه با آلودگی محیط زیست، به جای حل مسئله صورت آن را پاک می‌کند، چون به علت اصلی توجه نمی‌کنیم و به همین دلیل تاکنون مشکل باقی است. بحران محیط زیست در دل دانش الهیات باید مطرح شود نه در علوم تجربی، چرا که این بحران اخلاقی و الهیاتی (به معنای فلسفه سنتی) است. ریشه گستاخی بشر در تخریب محیط زیست، ناشی از جهان‌بینی است. محیط طبیعی بشر و تمام جهان را یک موجود بی‌جان نگاه کردن، خود را عزیز در دانهٔ این آفرینش محسوب کردن و به جای خدا در جهان نشان دادن و جهان را ستایشگر بشر نشان دادن، نتیجه‌اش چنین بحرانی می‌شود. متأسفانه در این مسئله امروز علم و فلسفه با یکدیگر هماهنگ هستند. فلسفه می‌گوید اصالت انسان در جهان، و علم هم می‌گوید «یک جهان بی‌جان». این بشر در درون این جهان، گویی عزیز در دانه‌ای است که تمام جهان باید فدایی او شود. عدهٔ زیادی از نویسندگان غربی که در زمینهٔ محیط زیست قلم زده‌اند، این گناه را به گردن ادیان می‌اندازند. ادیان را متهم کرده‌اند و می‌گویند از آن‌جایی که ادیان بشر را عزیز بی‌جهت معرفی کرده و تمام موجودات به بشر سجده کرده‌اند، لذا خداوند این جهان را برای بشر آفریده و بشر بی‌محابا هر چه به چنگالش می‌رسد، از این طبیعت استفاده می‌کند.

ممکن است در این قضیه متون مسیحیت (کلیسایی) مقصر باشند، اما این اتهام به دامن اسلام هرگز نخواهد نشست. راز قضیه این است که علم چنین کوتاهی را کرده و گفته است جهان موجودی بی‌جان و ابزاری برای بشر است و بشر امروز را به جای خدای ادیان معرفی کرده است. اگر قرار بود این اتهام متوجه ادیان باشد، چرا در قدیم چنین نبوده است؟ چرا در یک قرن اخیر و بعد از پیشرفت فناوری و تحولی که در علم و صنعت پیش آمد، بحران محیط زیست مطرح شد؟ شاید در طول تاریخ ادیان، تنها در قرآن این مسئله پیدا می‌شود. که اول جایی است که به طبیعت قسم خورده شده و مظاهر طبیعت مورد سوگند خداوند قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد در قرآن، در کنار سوگندهای طبیعی، به بعد تربیتی بشر نیز توجه شده است. آیه صریح داریم که این عهد که خدا بر آن سوگند یاد کرده، به خاطر این است که به موجب این تعهد، باید بشر زمین را آباد کند. موضوع تعهد، آبادی زمین است و به هیچ‌وجه اجازهٔ مصرف بی‌رویه و آلودگی زمین به بشر داده نشده است. تخریب محیط زیست و بهره‌برداری بیش از حد از طبیعت، خلاف عهد ازل است.

* عالم دینی و استاد حوزه و دانشگاه